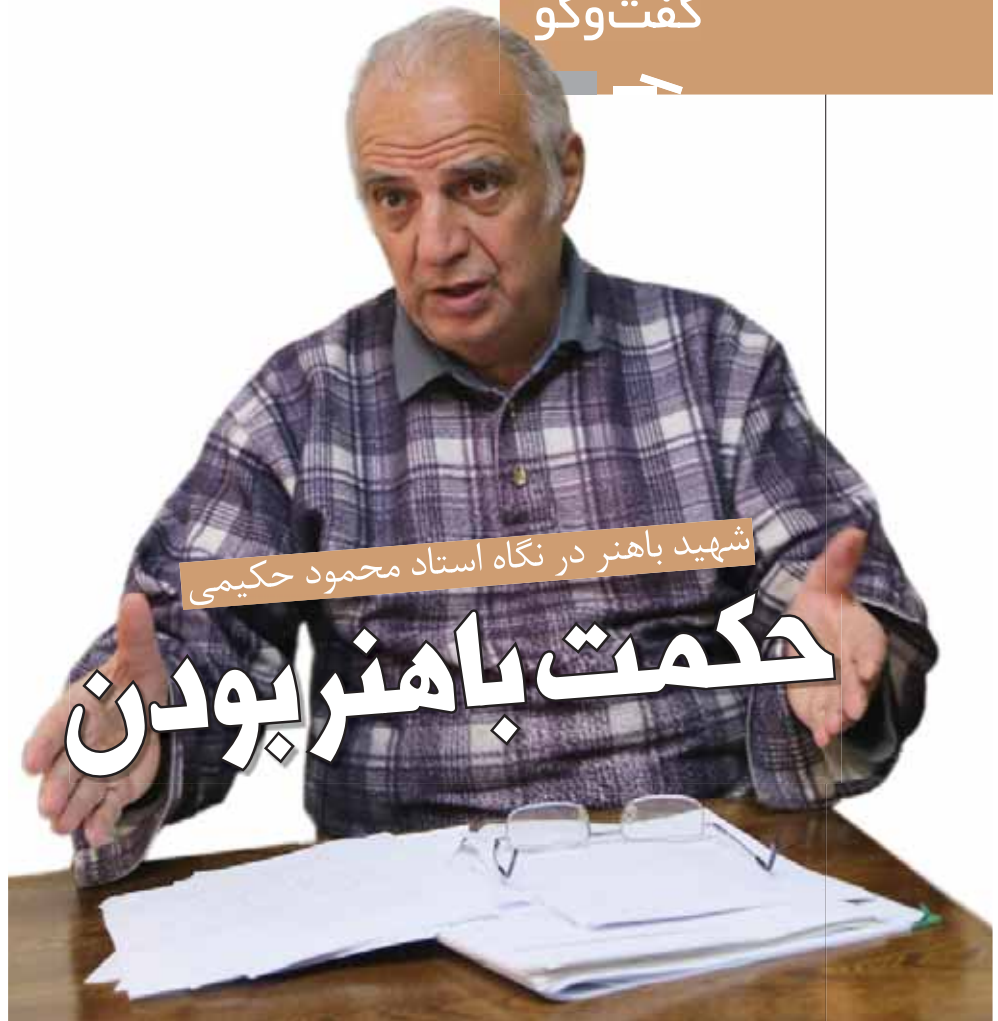




شهید باهنر در نگاه استاد محمود حکیمی

حکمت باهنر بودن

تشیع از جمله آقای باهنر و بهشتی هم آشنا شدم. دکتر بهشتی در آن زمان مدرسه دین و دانش را در قم تأسیس کرده بود و خودش مدیریت می‌کرد. نخستین ملاقاتم با مرحوم باهنر در قم بود. آن زمان مجلاتی مانند نجات نسل جوان، پیام شادی و نسل نو برای کودکان و نوجوانان در قم منتشر می‌شد که من داستان‌هایی را برای آن مجلات می‌نوشتم. مرحوم باهنر مرا برای نوشتن آن داستان‌ها مورد تشویق قرار داد. زمانی هم ایشان مرا از تأسیس دفتر نشر فرهنگ اسلامی آگاه نمود و خواست که یکی از داستان‌هایم را به آن دفتر بدهم تا به صورت کتاب منتشر نمایند. من هم داستان «وجدان» را به ایشان دادم که برای نخستین بار توسط «دفتر نشر فرهنگ اسلامی» منتشر گردید.

شروع تألیف کتاب تعلیمات دینی

زمانی که من در شهر قم در دوره راهنمایی و دوره دبیرستان تدریس می‌کردم، مرحوم باهنر به من گفت که با همکاری استاد بهشتی و مرحوم برقعی در حال نوشتن کتاب درسی تعلیمات دینی برای دوره راهنمایی و دبیرستان می‌باشند و در این زمینه با هم گفت‌وگو کردیم. هر دو به این نتیجه رسیدیم که باید مباحث دینی را برای دانش‌آموزان این دوره با زبانی بسیار ساده و روان توضیح داد. نکته‌ای که ایشان به آن توجه داشت این بود که در هر یک از درس‌های کتاب باید آیه‌ای از قرآن هم استفاده کنیم. ایشان در پایان هر درس واژه‌های مهم آیه‌ای را که استفاده کرده بود مطرح می‌کرد تا دانش‌آموز به تدریج با مفهوم آیه کلمه به کلمه آشنا شود. در کتاب‌های تعلیمات دینی پیش از آن، واژگان و اصطلاحاتی به کار رفته بود که از نظر دینی درست بودند ولی دانش‌آموز متوجه مفهوم اصلی آن نمی‌شد و فقط آن‌ها را حفظ می‌کرد. مرحوم بهشتی و مخصوصاً مرحوم باهنر سعی داشتند کتاب‌ها مخصوصاً مباحث اخلاقی را تا حد امکان ساده بنویسند. البته مرحوم بهشتی تألیف کتاب‌های دینی دبیرستان

سمانه آزاد

استاد محمود حکیمی از معلمان ماندگار، و برای علاقه‌مندان به پژوهش و ادبیات کودک و نوجوان نام آشنایی است. او که از نویسندگان و مترجمان پرکار است، در دوره جوانی و پیش از انقلاب با شهید محمدجواد باهنر در دفتر نشر فرهنگ اسلامی، و نیز با مجلاتی مانند مکتب اسلام و مکتب تشیع آشنایی و همکاری داشت. از این رو از جمله افرادی است که با نگاه شهید باهنر در حوزه تعلیم و تربیت و تلاش‌های او در زمینه تألیف کتاب‌های تعلیمات دینی دوره راهنمایی آشنایی دارد و اکنون برای ما از آن سخن می‌گوید. آنچه استاد حکیمی از شهید باهنر در زمینه تعلیم و تربیت به یاد دارد، آشنا بودن او با روان‌شناسی کودک و نوجوان، تأکیدش بر علاقه معلمان به کار خود و نیز استفاده از داستان برای طرح مسائل تربیتی است.

آشنایی با باهنر

مکتب اسلام، مرحوم حجت‌الاسلام حجتی کرمانی نوشتن و شیوه‌های داستان‌نویسی را پیشنهاد دادم. ایشان هم در جواب از من خواست تا با آن‌ها همکاری کنم. من از سال ۱۳۴۷ همکاری با مکتب اسلام را آغاز کردم و تا امروز این همکاری ادامه دارد. در همان زمان با نویسندگان مجله مکتب

از دوره جوانی به مطالعه نشریات دینی علاقه داشتیم. در دهه ۴۰ چند مجله دینی از جمله مکتب اسلام و مکتب تشیع منتشر می‌شد که آقایان مرحوم باهنر و مرحوم بهشتی در مجله مکتب تشیع مقالات ارزشمندی می‌نوشتند. در سال ۱۳۴۷ نامه‌ای به سردبیر مجله



بود که مرحوم باهنر بر آن تأکید داشتند. این موضوعی است که علوم تربیتی اکنون به آن رسیده است. این یک گام جلو بودن مرحوم باهنر از اینجا ناشی می‌شود که ایشان علاوه بر آگاهی از درس‌های حوزوی، مدرک کارشناسی ارشد علوم تربیتی و دکترای الهیات را نیز داشت و غیر از زمینه درسی خود، دائماً مطالعه می‌کرد. یکی از علل پیشرفت ایشان در شناخت روان‌شناسی کودک و نوجوان، مطالعات دقیق بود.

آگاهی ایشان از آموزه‌های قرآن کریم هم مثال زدنی بود. من از سال ۱۳۴۸ در دانش‌سرای عالی یا تربیت‌معلم تحصیل می‌کردم. با چند نفر از دانشجویان آنجا هیئتی تشکیل دادیم و برای سخنرانی به تعدادی از روحانیون مراجعه کردیم. از جمله شهید مطهری چند جلسه سخنرانی با عنوان «علل گرایش به مادی‌گرایی» را انجام داد. شهید باهنر نیز در دو جلسه درباره ضرورت شناخت درست تعلیم و تربیت سخنرانی کرد که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. ایشان تأکید داشتند که معلم هر درسی باید با قرآن و آموزه‌های دینی آشنا باشد. زیرا که گفته‌های او تأثیر فراوان بر دانش‌آموزان خواهد داشت.

معلم در نگاه

استاد محمدچواد باهنر

مرحوم باهنر عقیده داشت که معلم باید به کارش علاقه‌مند باشد. به خاطر دارم ایشان می‌گفتند برخی نه از روی علاقه، بلکه به دلیل اینکه شغل دیگری پیدا نمی‌کنند معلمی را انتخاب می‌کنند و به همین دلیل هم در کار خود موفق نخواهند بود. موضوع دیگری که مرحوم باهنر در حوزه معلمی به آن تأکید داشت آن بود که معلم باید با والدین دانش‌آموزان ملاقات‌های متعدد

را بر عهده داشت. شهید باهنر در تألیف تعلیمات دینی دوره راهنمایی بعد از موضوعاتی مانند ستایش خداوند، یکتاپرستی، درباره خدا چه می‌دانیم و از پدیده‌های جهان چه می‌آموزیم، به بررسی ادیان توحیدی مانند دین یهود، آیین مسیحیت و دین زرتشت می‌پردازد تا به دین اسلام می‌رسد. پس از آن هم زندگی المان و معصومین (علیهم‌السلام) را به همین شیوه ارائه می‌کرد. بر این عقیده‌ام که باید در مقاله‌ای به تفصیل درباره محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات دینی دوره راهنمایی قبل از انقلاب اسلامی بپردازیم.

تعلیم و تربیت

در نگاه شهید باهنر

شاید برایتان جالب باشد بدانید که ایشان معتقد بودند ما به عنوان نویسنده مسئولیت بزرگی در برابر کودکان و نوجوانان داریم و می‌توانیم انسان‌هایی با ایمان تربیت کنیم. من با ایشان و تعداد دیگری از نویسندگان و همچنین افراد علاقه‌مند به نویسندگی روزهای پنجشنبه در مدرسه علوی جلساتی داشتیم. از مباحثی که مرحوم باهنر بر آن بسیار تأکید داشت این بود که وقتی برای کودکان و نوجوانان داستان می‌نویسیم باید از آوردن واژگان و اصطلاحات دشوار خودداری کنیم، چون اگر مخاطب مفهوم را متوجه نشود کتاب را کنار می‌گذارد. مرحوم باهنر معتقد بود برخی معلمان با شیوه‌های نادرست یا طرح مسائل دشوار برای کودکان و نوجوانان، باعث می‌شوند که دانش‌آموز مدرسه را دوست نداشته باشد.

از نکات دیگری که وی بر آن تأکید بسیار داشت این بود که معلم دوره ابتدایی و دبیر دوره راهنمایی باید از روان‌شناسی کودک و نوجوان آگاهی داشته باشد و در این زمینه مطالعه کند. خوب به یاد دارم هر بار که درباره تعلیم و تربیت بحث می‌شد ایشان می‌گفتند که حتی برخی معلمان شریف و متعهد چون از روان‌شناسی کودک و نوجوان آگاهی ندارند باعث می‌شوند دانش‌آموز به مباحث علمی و دینی توجه چندانی نداشته باشد. استفاده از داستان برای طرح مباحث تربیتی از دیگر نکاتی

معتقدم
یکی از علل
پیشرفت
شهید باهنر
در شناخت
روان‌شناسی
کودک و
نوجوان،
مطالعات
دقیق ایشان
بود

داشته باشد و با آن‌ها گفت‌وگو کند. در این صورت است که روان‌شناسی و ویژگی‌های دانش‌آموزان را می‌شناسد و در تعلیم و تربیت موفق خواهد شد.

کلاس آزاد

شهید باهنر از جمله افرادی بود که به آزادی عقیده داشت و بعد از انقلاب هم به آن در عمل پای‌بند بود. وی در کتاب گفتارهای تربیتی بحثی درباره آزادی دارد که در آنجایی گوید با کمک موهبت آزادی است که استعدادها بارور و عقل‌ها شکوفا می‌شود. همچنین ایشان عقیده داشتند معلمی که به آموزش تعلیمات دینی می‌پردازد باید در کلاس فضای گفت‌وگوی آزاد را ایجاد کند و تلاش کند دانش‌آموزان در آزادی و اختیار کامل نظرات خود را حتی در مورد آموزه‌های دینی مطرح کنند و حتی اگر به نقد هم پرداختند اشکالی ندارد. چرا که ضمن این گفت‌وگوهاست که معلم آگاه می‌تواند مباحث دینی را مطرح کند. به عقیده ایشان این شیوه تأثیر بسیار زیادی در تربیت دانش‌آموزان دارد.